



موسیقی مردم‌پسند در کرمان تحلیل ساختاری، فرهنگی و رسانه‌ای

شهاب جعفری

چکیده

موسیقی مردم‌پسند در کرمان، به‌عنوان یک پدیده‌ی فرهنگی و اجتماعی، نقشی فراتر از سرگرمی دارد و می‌تواند بازتاب‌دهنده‌ی هویت جمعی و فردی مردم منطقه باشد. این پژوهش با هدف تحلیل ساختاری، فرهنگی و رسانه‌ای موسیقی مردم‌پسند کرمان انجام شده و داده‌ها از طریق بررسی آثار موسیقی پخش‌شده در رادیو محلی، آرشیو صوتی و منابع مکتوب گردآوری گردید. یافته‌ها نشان می‌دهد که موسیقی مردم‌پسند کرمان، با بهره‌گیری از ملودی‌های کوتاه و تکرارشونده، ریتم‌های قابل پیش‌بینی، سازبندی تلفیقی محلی و مدرن و متن‌های محلی، توانسته است با حفظ هویت فرهنگی منطقه، جذابیت گسترده‌ای در میان مخاطبان ایجاد کند. رادیو کرمان نقش مؤثری در تثبیت و گسترش این موسیقی ایفا کرده و با گزینش و پخش منظم آثار، موسیقی مردم‌پسند را به بخشی از حافظه‌ی جمعی و هویت فرهنگی کرمان تبدیل نموده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که موسیقی مردم‌پسند کرمان نمونه‌ای از فرآیند «بومی‌سازی جهانی» است و می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای بازنمایی هویت فرهنگی و اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد.

مقدمه

موسیقی مردم‌پسند به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پدیده‌های فرهنگی قرن بیستم و بیست‌ویکم، علاوه بر جنبه‌ی سرگرمی، نقشی اساسی در شکل‌دهی به هویت اجتماعی و فرهنگی افراد و جوامع ایفا می‌کند (Frith, 1996). این نوع موسیقی به‌دلیل ساختار ساده و قابل‌دسترس خود، توانسته است ارتباطی مستقیم با مخاطب برقرار کند و در فرهنگ‌های گوناگون جهان جایگاهی ویژه بیابد. در ایران، موسیقی مردم‌پسند هر منطقه تحت تأثیر ویژگی‌های فرهنگی، زبانی و تاریخی همان منطقه شکل گرفته و به‌عنوان ابزاری برای بیان ارزش‌ها، خاطرات و زندگی روزمره‌ی مردم به کار می‌رود. کرمان با پیشینه‌ی فرهنگی غنی و تنوع موسیقایی گسترده، یکی از مناطق مهم تولید موسیقی مردم‌پسند در ایران به‌شمار می‌رود. موسیقی مردم‌پسند کرمان ترکیبی از عناصر محلی و الگوهای جهانی است که با حفظ هویت فرهنگی منطقه، توانسته است مخاطبان محلی و ملی را جذب کند. ویژگی‌های شاخص این موسیقی شامل ملودی‌های کوتاه و تکرارشونده، ریتم‌های قابل پیش‌بینی، هارمونی محدود، سازبندی تلفیقی از سازهای محلی و غربی و متن‌های محلی است. رادیو محلی کرمان نقشی محوری در تداوم و گسترش این نوع موسیقی دارد و با انتخاب و پخش آثار محبوب، موسیقی مردم‌پسند را به بخشی از حافظه‌ی جمعی مردم منطقه تبدیل کرده است. هدف پژوهش حاضر تحلیل ساختاری، فرهنگی و رسانه‌ای موسیقی مردم‌پسند کرمان و پاسخ به این پرسش است که:

موسیقی مردم‌پسند کرمان چگونه توانسته است هویت فرهنگی محلی را بازتاب دهد و رسانه‌ها در تثبیت و گسترش آن چه نقشی داشته‌اند؟

پیشینه‌ی پژوهش

تحقیقات بین‌المللی در حوزه‌ی موسیقی مردم‌پسند نشان داده‌اند که این نوع موسیقی علاوه بر کارکرد سرگرمی، ابزاری مؤثر برای انتقال ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی است (Tagg, 1982; Middleton, 1990).

در ایران نیز مطالعاتی درباره‌ی موسیقی مردم‌پسند در مناطق مختلف انجام شده است که بر

ویژگی‌های ساختاری، نقش رسانه‌ها و بازنمایی هویت فرهنگی تمرکز دارند. با این حال، پژوهش جامع درباره‌ی موسیقی مردم‌پسند کرمان و تأثیر رادیو در گسترش آن تاکنون به‌صورت نظام‌مند صورت نگرفته است. این تحقیق با رویکرد تحلیلی و فرهنگی، در پی پُر کردن این خلأ علمی است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کیفی-تحلیلی است. داده‌ها از سه منبع اصلی گردآوری شده‌اند:

۱. آثار موسیقی مردم‌پسند پخش شده از رادیو کرمان،

۲. آرشیوهای صوتی و تصویری محلی،

۳. منابع مکتوب درباره‌ی موسیقی مردم‌پسند در ایران و کرمان.

روش تحلیل داده‌ها شامل تحلیل ساختاری موسیقی (ملودی، ریتم، هارمونی، سازبندی، و متن آوازها) و تحلیل محتوایی و فرهنگی برای شناسایی مضامین اجتماعی و بازنمایی‌های هویتی است. همچنین، بررسی تاریخی روند تولید و پخش آثار، تغییرات فرهنگی و رسانه‌ای موسیقی مردم‌پسند کرمان را روشن می‌سازد.

چارچوب نظری

۱. موسیقی مردم‌پسند و ویژگی‌های آن

به‌گفته‌ی تاگ (۱۹۸۲)، موسیقی مردم‌پسند بر پایه‌ی تکرار، ریتم‌های ساده و ساختارهای ملودیک آشنا شکل می‌گیرد و از همین‌رو قابلیت ارتباط سریع با مخاطب را دارد. این موسیقی زبان مشترکی میان طبقات اجتماعی مختلف ایجاد می‌کند و از طریق الگوهای شنیداری آشنا، نوعی احساس تعلق جمعی پدید می‌آورد.

۲. رسانه و بازنمایی هویت فرهنگی

طبق نظریه‌ی بازنمایی استوارت هال (۱۹۹۷)، رسانه‌ها در فرآیند بازتولید معنا و هویت فرهنگی نقش سازنده دارند، نه صرفاً انتقال‌دهنده.

رادیو کرمان از طریق گزینش، تکرار و تقویت الگوهای شنیداری خاص، نوعی هویت فرهنگی موسیقایی برای جامعه‌ی محلی خلق کرده است. در واقع، رسانه نه تنها بازتاب‌دهنده‌ی فرهنگ است

بلکه آن را «می‌سازد».

۳. سرمایه فرهنگی و میدان موسیقایی

پیر بوردیو (۱۹۸۴) در نظریه‌ی «میدان فرهنگی» توضیح می‌دهد که موسیقی به‌عنوان شکلی از سرمایه‌ی فرهنگی، در میان گروه‌های اجتماعی به شیوه‌ای نمادین مبادله می‌شود. موسیقی مردم‌پسند کرمان نیز از این منظر نوعی سرمایه‌ی فرهنگی محلی است که در تعامل میان تولیدکنندگان، رسانه‌ها و مخاطبان شکل گرفته است.

۴. بومی‌سازی جهانی

بر اساس دیدگاه رابرتسون (۱۹۹۵)، بومی‌سازی جهانی فرآیندی است که در آن عناصر فرهنگی جهانی با ویژگی‌های محلی تلفیق می‌شوند. موسیقی مردم‌پسند کرمان مصداق بارز این پدیده است؛ زیرا ریتم‌ها و سازهای مدرن را با لهجه، زبان و مضامین محلی در هم آمیخته است.

یافته‌ها

نتایج تحلیل ساختاری و فرهنگی نشان می‌دهد که:

- ملودی‌ها کوتاه، ساده و تکرارشونده‌اند و به آسانی در ذهن مخاطب باقی می‌مانند.
- ریتم‌ها بر اساس الگوهای محلی و قابل‌پیش‌بینی ساخته می‌شوند و امکان همخوانی جمعی را افزایش می‌دهند.
- سازبندی ترکیبی از سازهای سنتی (سنتور، تنبک، نی) و مدرن (آکاردئون، گیتار، ویولن، کلارینت) است.
- متن‌ها از لهجه‌ی محلی بهره می‌گیرند و به موضوعاتی چون عشق، کار، شادی و خاطره‌های جمعی می‌پردازند.
- رادیو کرمان نقش کلیدی در تثبیت این ساختار دارد و با بازپخش مداوم آثار محبوب، حافظه‌ی فرهنگی موسیقایی مردم را تقویت کرده است.

بحث و تحلیل

یافته‌ها نشان می‌دهد که موسیقی مردم‌پسند کرمان، نه صرفاً محصولی سرگرم‌کننده، بلکه عرصه‌ای

برای بازتولید هویت فرهنگی است. در این موسیقی، سادگی ساختار و تکرارپذیری ریتم، موجب می‌شود که مخاطب حس مشارکت و تعلق جمعی پیدا کند.

از منظر بورديو، موسیقی مردم‌پسند کرمان در «میدان فرهنگی» خاص خود عمل می‌کند که در آن کنشگران (خوانندگان، آهنگسازان، تهیه‌کنندگان رادیو و شنوندگان) برای کسب سرمایه‌ی نمادین رقابت دارند. این تعامل، موجب پویایی و تداوم سنت موسیقایی بومی در قالبی مدرن می‌شود. از سوی دیگر، رسانه (به‌ویژه رادیو کرمان) مطابق با نظریه‌ی هال، نه تنها بازتاب‌دهنده‌ی سلیقه‌ی مردم است، بلکه با گزینش و تکرار برخی آثار، نوعی «هویت شنیداری جمعی» می‌سازد. این هویت، هم بر حافظه‌ی فرهنگی منطقه تأثیر می‌گذارد و هم به بازتعریف رابطه‌ی مردم با موسیقی یاری می‌رساند.

ترکیب عناصر موسیقی محلی و جهانی، نمونه‌ای روشن از بومی‌سازی جهانی است که در آن موسیقی مردم‌پسند کرمان توانسته ضمن حفظ ریشه‌های فرهنگی، در فضای رسانه‌ای مدرن نیز معنا و جایگاه تازه‌ای بیابد. این ویژگی، موسیقی کرمان را از صرف بازمانده‌ای محلی فراتر برده و آن را به بخشی از گفت‌وگوی فرهنگی معاصر ایران تبدیل کرده است.

نتیجه‌گیری

موسیقی مردم‌پسند کرمان، با ساختاری ساده، ریتمی منظم، سازبندی تلفیقی و محتوایی محلی، توانسته است پیوندی عاطفی میان مردم و هویت فرهنگی‌شان برقرار کند. این موسیقی نه تنها بازتاب‌دهنده‌ی زندگی روزمره‌ی مردم است، بلکه به‌عنوان سرمایه‌ای فرهنگی، در بازتولید حافظه‌ی جمعی و انسجام اجتماعی نقش دارد.

رادیو محلی کرمان در این میان نقش محوری دارد و به‌مثابه‌ی نهادی فرهنگی، موجب تثبیت و بازنمایی موسیقی مردم‌پسند شده است. بر اساس یافته‌ها، می‌توان گفت که موسیقی مردم‌پسند کرمان نمونه‌ای از پیوند خلاق میان سنت و مدرنیته است؛ جایی که بومی‌سازی جهانی به شکل واقعی تحقق یافته و فرهنگ محلی نه در برابر، بلکه در درون جریان جهانی معنا می‌یابد.

پیشنهاده‌ها

۱. حمایت از تولید آثار محلی: ایجاد تسهیلات مالی، کارگاه‌های آموزشی و حمایت نهادی از تولیدکنندگان موسیقی مردم‌پسند.
۲. آموزش موسیقی مردم‌پسند: گنجاندن این موسیقی در برنامه‌های آموزشی هنرستان‌ها و دانشگاه‌ها برای تقویت شناخت فرهنگی بومی.
۳. حفظ آرشیو رادیویی: دیجیتال‌سازی، مستندسازی و در دسترس قرار دادن آرشیو رادیو کرمان برای پژوهش‌های آینده.
۴. گسترش رسانه‌های محلی دیجیتال: ایجاد پلتفرم‌های آنلاین برای انتشار موسیقی مردم‌پسند و تعامل بیشتر با مخاطبان.

منابع

- Frith, S. (1996). *Performing Rites: On the Value of Popular Music*. Harvard University Press.
- Tagg, P. (1982). *Analysing Popular Music: Theory, Method and Practice*. *Popular Music*, 2, 37–67.
- Middleton, R. (1990). *Studying Popular Music*. Open University Press.
- McQuail, D. (2010). *McQuail's Mass Communication Theory*. Sage Publications.
- Robertson, R. (1995). *Glocalization: Time-Space and Homogeneity-Heterogeneity*. In *Global Modernities*, Sage Publications.
- Bourdieu, P. (1984).

Sh.j1992, [10/5/2025 2:38 AM]

Distinction: A Social Critique of the Judgement of Taste. Harvard University Press.

- Hall, S. (1997). *Representation: Cultural Representations and Signifying Practices*. Sage Publications.